

بررسی مکتب ناشناخته استرآبادی اواسط دوره صفوی

با مطالعه نگاره‌های شاهنامه استرآبادی موجود در موزه ملک تهران با رویکرد تاریخی

چکیده

مطالعه ۱۵ نگاره منحصر به فرد و ناشناخته شاهنامه استرآبادی موجود در موزه ملک تهران به دلیل نداشتن پیشینه، تاریخ و امضای نگارگران و نیز فقدان اطلاعات جامع از دیگر نگاره‌های پراکنده در سایر کشورها به خصوص موزه‌های بریتانیا، می‌تواند در شناسایی یک کارگاه مستقل ایالتی در اواسط دوره صفوی در ایالت استرآباد بسیار راهگشا باشد. تاکنون در مورد این ۱۵ نگاره که تنها نسخه منسوب به استرآبادی موجود در ایران است، تحقیق جامعی صورت نگرفته است. دو پرسش اصلی این پژوهش پس از تحلیل شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این نگاره‌ها، ابتدا تعیین اصالت آنها به کارگاه استرآباد در اواسط دوره صفوی است و سپس منحصر به فرد بودن سبکی این نگاره‌ها از مکتب‌های هنری هم‌عصر خود است. روش مطالعه به شیوه توصیفی و تحلیلی با رویکرد تاریخی است. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که نگارگران این نسخه از الگوهای پیشین و معاصر خود به خصوص مکتب قزوین، مشهد، مکتب دوم تبریز و هرات تأثیر گرفته‌اند. در مطالعه سبک نقاشی نگاره‌ها، می‌توان استنباط کرد که شاهنامه استرآبادی دارای خصایص یک سبک ایالتی مستقل از مکاتب هم‌عصر خود است. با دریافت این الگوی ثابت در بررسی نگاره‌ها، احتمال وجود کارگاه یا کارگاه‌های ایالتی استرآباد در اواسط دوره صفوی را محتمل می‌سازد.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی اصالت کمی و کیفی ۱۵ نگاره شاهنامه استرآبادی موزه ملک تهران.
۲. بررسی تأثیرپذیری نگاره‌های شاهنامه استرآبادی از مکاتب هم‌عصر خود.

سؤالات پژوهش:

۱. ویژگی‌های کمی و کیفی نگاره‌های شاهنامه استرآبادی موزه ملک تهران چگونه است؟
۲. نگاره‌های شاهنامه استرآبادی از مکاتب هم‌عصر خود چه تأثیری پذیرفته است؟

کلیدواژه‌ها: دوره صفوی، نگارگری، کتابخانه و موزه ملی ملک، شاهنامه استرآبادی.

مقدمه

شاهنامه استرآبادی موزه ملک تهران تنها نسخه منسوب به استرآباد موجود در ایران است که تابه حال شناسایی شده است. از این نسخه اطلاعات ناچیزی در دست است و در نتیجه مورد توجه پژوهشگران نیز قرار نگرفته است. ۱۵ نگاره از این شاهنامه در موزه ملک تهران نگهداری می شود. به نظر می رسد که برگ های بسیاری از آن احیاناً در موزه ها و مجموعه های شخصی در جهان پراکنده باشد. نگارگر یا نگارگران و نیز خطاط این نسخه مشخص نیست. از آنجاکه شاهنامه های مصور شده در طول تاریخ همواره در کارگاه های سلطنتی و به نام سلاطین وقت، به عنوان سفارش دهنده اصلی اثر، نام گذاری و زیر نظر هنرمندان برجسته آن دوره نگارگری شده اند، نگاره های این آثار، علاوه بر نشان دادن هنر آن دوره، نمایانگر اقتدار حاکمان نیز هستند. به طور مثال، شاهنامه بایسنقری در دوره تیموریان و شاهنامه طهماسبی در دوره صفویان نه تنها اوج هنری را در این دو دوره نشان می دهند، بلکه همه شمول بودن اقتدار حاکمیت در همه زمینه ها را می توان در بررسی های این آثار دریافت کرد. اما آنچه مسلم است، لفظ «استرآباد» که به این شاهنامه ها اطلاق می شود، نشئت گرفته از اسم شخص نمی باشند؛ بلکه بنابه نظر رابینسون برگرفته از کارگاه یا کارگاه هایی ایالتی در منطقه استرآباد در اواسط دوره صفوی است. این آثار در کارگاه های زیر نظر دستگاه حاکمه تولید می شدند که به عنوان یک نهاد علمی - هنری دولتی، مجموعه ای از هنرمندان برجسته آن دوره را جهت تصویرگری، خوشنویسی، تذهیب و کتاب آرایی دور هم جمع می کردند تا نسخه ای مانند شاهنامه طهماسبی پس از ۲۰ سال مصور گردد.

نمونه مورد پژوهش این تحقیق، ۱۵ نگاره از یک شاهنامه منسوب به استرآبادی است و در موزه ملک تهران نگهداری می شود. همچنین تنها نسخه ای است که در ایران به نام استرآبادی شناخته شده است. عدم شناخت کارشناسان و پژوهشگران حوزه نگارگری از این اثر نفیس که همچنان سالم و قابل دسترس است، ضرورت انجام پژوهش در مورد این مجموعه ناشناخته را نمایان می سازد. دغدغه اصلی برای پژوهش حاضر معرفی این نسخه و سپس بررسی نگاره ها است. برای دستیابی به این هدف، ساختار، ترکیب بندی ها و قاب بندی ها بررسی می شود تا در نتیجه گیری بتوان جایگاه این نسخه را در بستر نگارگری اواسط دوران صفوی و کارگاه ایالتی استرآباد مشخص کرد. نگاره های شاهنامه منسوب به استرآباد موجود در موزه ملک تهران به دلیل فقدان منابع تابه حال مورد بررسی و مطالعه دقیق و جامع قرار نگرفته اند. معدود تحقیقاتی را می توان به آن ها اشاره کرد.

صدری و عصمتی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «معرفی نگاره کشته شدن دیو سفید به دست رستم (در سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و استرآبادی)»، تک نگاره ای از نسخه استرآبادی کتابخانه ملی ملک را براساس اشارات رمزی ادبی کشتن دیو سفید و عناصری تجسمی و بصری با نمونه های مشابه در دو شاهنامه تهماسبی و بایسنقری مطابقت داده اند. فدوی (۱۳۹۰) در پایان نامه دوره کارشناسی ارشد با عنوان «استرآباد، کانون کتاب آرایی بومی دوره صفوی (نیمه دوم قرن ۱۰ و نیمه اول قرن ۱۱ هـ.ق)» احتمال وجود کارگاه های کتاب آرایی در استرآباد را مورد پژوهش قرار داده است؛ ولی به نگاره های موزه ملک اشاره ای نشده است (۱۳۹۰).

رابینسون^۱ در کتاب «مینیاتورهای ایرانی از مجموعه‌های جزایر بریتانیا» بر این باور است که شاهنامه موجود در کتابخانه و موزه ملی ملک با دیگر نسخ مصور از جمله کتابخانه بریتانیا در یک گروه جای دارند و همگی در کارگاه استرآباد (دارالمؤمنین استرآباد) کتابت شده‌اند (رابینسون، ۱۹۶۷: ۱۱۴).

روش به‌کارگرفته‌شده برای مطالعه ویژگی‌های ۱۵ برگ شاهنامه استرآبادی موجود در موزه ملک، به‌صورت موردی از بین سایر نسخ معطوف به کارگاه استرآبادی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. روش پژوهش در این جستار، کیفی است و داده‌ها به شیوه پژوهش اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده‌اند. بخش اسنادی به کتاب‌ها مقالات، پایان‌نامه و تارنمای رسمی کتابخانه ملی ملک مرتبط است و بخش میدانی به مصاحبه و مکاتبه با صاحب‌نظران در مراکز معتبر علمی مربوط است. در ادامه، نخست نگاره‌ها معرفی شده و سپس به‌صورت خطی آنالیز و هندسه فرم‌ها و نقوش تجزیه و تحلیل شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ۱۵ برگ نگاره شاهنامه موسوم به استرآبادی موجود در موزه ملک تهران، دارای ریشه‌های تصویری مشترک با اوایل سلسله صفویه است. وجه تسمیه استرآبادی برای برخی شاهنامه‌هایی به‌کار برده می‌شود که حدود سده‌های ۱۶-۱۷ میلادی و ۱۰-۱۱ هجری قمری در استرآباد کتابت شده‌اند. در برخی منابع محل کتابت آورده شده و در برخی براساس شباهتشان به دیگر نسخ استرآباد نسبت داده شده است. در بررسی نگاره‌ها عامل تکرار و چارچوب واحد نشان از یک سبک ایالتی می‌دهد. با مقایسه و بررسی شاخصه‌های فرم و رنگ‌بندی و شیوه کتابت، چنین استنباط می‌شود که ۱۵ نگاره مورد مطالعه، تأثیر گرفتن از مکتب دوم تبریز و در ادامه کارگاه‌های قزوین است. شباهت‌هایی نیز به مکتب مشهد به چشم می‌خورد؛ ولی وجود نظم و اتحاد رویه در نگاره‌ها نشان از یک سبک منحصر به فرد است. وضعیت پوشش علی‌الخصوص تن‌پوش‌ها و لوازم رزم به مکتب مشهد تمایل دارد. عدم وجود کلاه‌های قزلباشی در نگاره‌ها جالب توجه است. ۱۵ نگاره بررسی شده هرچند به نفاست و مهارت نسخه شاهنامه طهماسبی نیستند؛ ولی ظرافت‌ها و ویژگی‌های نگاره‌ها نشان می‌دهد که بخشی از مجموعه‌ای نفیس هستند که احتمالاً برگ‌های دیگر آن نزد مجموعه‌داران در سراسر دنیا و نیز برخی موزه‌ها به‌خصوص چند موزه بریتانیا پراکنده شده است.

در نتیجه‌گیری حاضر، تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از مطالعه نگاره‌ها، روابط متقابل بین موضوع و ترکیب‌بندی را آشکار می‌سازد و نیز نشان می‌دهد با توجه به تنوع و الگوپذیری موضوعات و ترکیب‌بندی‌ها، نگارگر و به‌احتمال قوی نگارگران نسبت به مصورسازی نسخه به کلیتی خاص اهتمام ورزیده‌اند. در بررسی پیکره‌ها و چهره‌ها تفاوت طراحی مشهود است، هر چند الگوپذیری در فرم، رنگ و خوشنویسی نمایان است، اما در اغلب نگاره‌ها رنگ‌های درخشان، شاد و پرتحرک مکتب نگارگری اصفهان در تلفیق با ساختار سنجیده و محکم مکتب نگارگری هرات و مکتب دوم

^۱ B. w. Robinson

تبریز و قزوین مشاهده می‌شود. هرچند که طراحی صورت‌ها به دو مکتب قزوین و مشهد بسیار نزدیک است. اما در کل این سبک التقاطی تبدیل به سبکی مستقل با هویت خاص خود شده است.

منابع و مأخذ:

- ابوالفدا، اسماعیل بن علی. (۱۸۴۰). تقویم البلدان، به کوشش رنو و دوسلان، پاریس.
- استرآبادی، میرزا محمد مهدی. (۱۳۴۱). جهانگشای نادری، به کوشش عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملی
- اشرفی، م.م. (۱۳۶۷)، همگامی نقاشی با ادبیات، ترجمه: رویین پاکباز، تهران: نگاه.
- بهری، عباداله. (۱۳۹۰). بهزاد استاد نقاشی ایران، ترجمه احمد بهجت، شبستر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۹۵۵). قانون مسعودی، حیدرآباد: دکن.
- بینیون، ویلکینسون، و گری، بازل. (۱۳۸۷). سیر تاریخ نقاشی ایران. ترجمه: محمد ایرانمنش. تهران: امیرکبیر.
- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۶۸). تاریخ، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: نشر مهتاب.
- پاکباز، رویین. (۱۳۹۲). نقاشی ایرانی از دیرباز تا امروز، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات زرین و سیمین.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه. (۱۳۸۲). ترجمه: حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
- جعفری دهکردی، ناهید و قاضی زاده، خشایار. (۱۳۹۷). «سلاح‌هایی از نور و فرّ: بررسی موردی ستاره‌های هشت ضلعی آئینه‌ای در نگاره‌های شاهنامه صفوی والترز». مجله هنرهای تجسمی هنرهای زیبا. شماره ۲۳، ۴۷-۵۴.
- حدود العالم. (۱۳۴۰). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- حکیم، محمدتقی. (۱۳۶۶). گنج دانش، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، به کوشش محمدعلی صوتی و دیگران، تهران: زرین.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۳). حبیب‌السیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- رایینسون، ب.و. (۱۳۹۰). تاریخ هنر ایران (۱۱) هنر نگارگری ایران، ترجمه: یعقوب آژند، چاپ سوم، تهران: انتشارات مولی.
- شیروانی، زین‌العابدین. (۱۳۱۵). بستان السیاحه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری دیباگران.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۹). حماسه‌سرایی در ایران: از قدیمی‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- صدری، احمد و عصمتی، حسین. (۱۳۹۴). «معرفی نگاره کشته‌شدن دیو سفید به دست رستم در سه شاهنامه بایسنقری، تهماسبی و استرآبادی». آستان هنر، شماره ۱۳، ۹۸-۱۰۳.

عالم‌آرای شاه اسماعیل (۱۳۴۹). به کوشش اصغر منتظر صاحب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

عالم‌آرای شاه‌طهماسب (۱۳۷۰). به کوشش ایرج افشار، تهران: دنیای کتاب.

علی‌پور، رضا و شیخ‌زاده، مرجان (۱۳۹۵)، «نمادشناسی نگاره‌ی رستم خفته و نبرد رخس و شیر از منظر خرد و اسطوره»، دوفصلنامه پیکره، دوره ۵، شماره ۱۰، ۱.

فدوی، منصوره. (۱۳۹۰). استرآباد، کانون کتاب‌آرایی بومی دوره صفوی (نیمه دوم قرن ۱۰ و نیمه اول قرن ۱۱ هـ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: یعقوب آژند، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی.

فرهنگ فارسی معین

کنبی، شیلا. (۱۳۸۷). «عصر طلایی هنر ایران»، ترجمه: حسن افشار، تهران: نشر مرکز.

مرعشی، ظهیرالدین. (۱۳۶۳). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش برنارد دارن، تهران: گستره.

منشی، اسکندربیک. (۱۳۵۰). عالم‌آرای عباسی، تهران: امیرکبیر.

B.W. Robinson, Persian Miniature Painting from the collections in the British Isles, London, ۱۹۶۷, p. ۱۱۴.

Robinson, B.W. A Descriptive Catalogue of the Persian Paintings in the Bodleian Library. Clarendon Press. Oxford, p. ۱۷۱

<http://shahnama.caret.com.ac.uk>

Canby, Sheila (۲۰۰۸), "The shanama of shah Tahmasp", London, Yale University

Hillenbrand, R (۲۰۰۰), "Persian Painting: from the Mongols to the Qajar", London: I.B.Touris.

Harvard Art Museum.org/collections